



دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

## شروط سالب مسؤولیت

### مندرج در ضمیمه دستورالعمل ۹۳/۱۳ جامعه اقتصادی اروپا در سنجه فقه امامیه

سید محمدصادق قبولی درافشان<sup>\*۱</sup>

۱. دکتری، عضو هیأت علمی گروه فقه و حقوق اسلامی، خردگرایان مطهر، مشهد، ایران.

#### چکیده

شروط غیرمنصفانه از مهم‌ترین مباحث مربوط به حقوق مصرف‌کننده است که سرعت حرکت اقتصادی جوامع و ایجاد شکاف طبقاتی سبب گرایش به درج چنین شروطی در قراردادهای مصرف‌کننده و در نتیجه تزلزل حق و عدالت شده است. این جستار با توصیف و نقد فقهی دلایل قائلین به بطلان شروط سالب مسؤولیت و دست‌یابی به اصل کلی صحت این شروط، استثنائاتی را بر این اصل وارد دانسته و به این نتیجه دست یافته است که شروط سالب مسؤولیت مندرج در دستورالعمل ۹۳/۱۳ جامعه اقتصادی اروپا، از قرار شرط سلب مسؤولیت نسبت به فوت یا صدمات جسمانی ناشی از فعل یا ترک فعل، با استناد به اختلال نظام، شرط سلب مسؤولیت نسبت به خسارت‌های ناشی از تقصیر با استناد به اختلال نظام، اکل مال به باطل و غرر، شرط سالب مسؤولیت حاصل از اناطه تدارک خدمات به اراده یک‌جانبه مشروطه با استناد به غرر و شرط سلب مسؤولیت نسبت به تعهدات نماینده در حیطة استثنائات اصل صحت شروط سالب مسؤولیت، محکوم به بطلان است.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۷-۶۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۳۰۲۶-۹۰۱۴-۰۰۰۲-۰۰۰۰

تلفن: ۰۹۸۵۱۳۷۶۵۱۸۶۷

ایمیل:

dr.sadegh.ghabooli@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

شروط سالب مسؤولیت، دستورالعمل

۹۳/۱۳ جامعه اقتصادی اروپا، اختلال

نظام، غرر، اکل مال به باطل، مخالفت

با کتاب و سنت.



## مقدمه

حقوق مصرف‌کننده یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در زندگی افراد جامعه تأثیر به‌سزایی دارد؛ چراکه همه اشخاص به‌نوعی مصرف‌کننده محسوب شده و زندگی امروزی بدون فرآورده‌های مختلف مصرفی برای ایشان قابل‌تصور نیست. سرعت حرکت اقتصادی جوامع و ایجاد شکاف طبقاتی نیز سبب گرایش یک طرف قرارداد بر تحمیل شروط نابرابر بر طرفی که نیاز به انعقاد قرارداد دارد شده است و درنهایت حاکمیت بیش‌تر و چه‌بسا مطلق اراده یک طرف در جهت سقوط و تزلزل حق و عدالت گام برمی‌دارد و شاید به جهت احتراز از چنین وضعی، اصل چهلم قانون اساسی مصالح اجتماعی را برتر از اراده طرفین دانسته است.<sup>۱</sup>

در سال‌های اخیر در نظام‌های حقوقی رایج دنیا تلاش‌هایی برای کنترل این وضعیت صورت گرفته که از میان آن‌ها می‌توان به دستورالعمل ۹۳/۱۳ شورای جامعه اقتصادی اروپا مصوب ۵ آوریل ۱۹۹۳ درباره شروط غیرمنصفانه در قراردادهای منعقدشده با مصرف‌کننده<sup>۲</sup> اشاره کرد که ناظر بر عدم پذیرش شروط قراردادی غیرمنصفانه با رویکرد حمایت از حقوق مصرف‌کننده است. به‌نظر می‌رسد برآیند کلی دستورالعمل معرفی مؤلفه‌های غیرمنصفانه بودن است و در ضمیمه این دستورالعمل نیز مصادیقی از شروط، غیرمنصفانه معرفی و باطل دانسته شده است. از آنجاکه در حقوق اسلامی همچون سایر نظام‌های حقوقی، انصاف از شفافیت لازم مفهومی و مصداقی برخوردار نیست و تمسک به آن می‌تواند زمینه سوءاستفاده و اعمال سلیقه‌های شخصی را فراهم آورد، این جستار در نظر دارد مصادیق شروط سالب مسؤلیت مندرج در دستورالعمل مذکور را از نظر فقهی و با روش فقهی بررسی کند. بدیهی است از آنجاکه مطابق با اصل چهارم قانون اساسی موازین اسلامی بر اطلاق یا عموم همه قوانین و مقررات حکومت دارد، تدوین مقررات مناسب در زمینه حمایت از مصرف‌کنندگان نیز نباید مغایرتی با این موازین داشته باشد و نیز از آنجاکه اصل صد و شصت و هفتم قانون اساسی قاضی را موظف کرده است که در موارد سکوت، نقص، اجمال و تعارض قوانین مدونه به منابع و فتاوی معتبر اسلامی مراجعه نماید، این پژوهش می‌تواند با

بررسی بسترهای فقهی مناسب، به اصلاح و تکمیل مقررات داخلی در راستای برقراری نظم عمومی اقتصادی در کشور، تسهیل رسیدگی و صدور حکم در دعوی بین فروشنده کالا یا ارائه‌کننده خدمات و مصرف‌کننده و نیز توسعه مبادلات تجاری و فراهم شدن زمینه ورود مؤثرتر در صحنه تجارت بین‌الملل و نحوه برخورد با کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط که متأثر از عرف و عادت تجاری بین‌المللی است، کمک نماید؛ و از آنجاکه نیل به نتیجه مطلوب در این زمینه در گرو رهگیری عناوین کلی مرتبط با این مصادیق در فقه می‌باشد، این جستار پس از بررسی فقهی شروط سالب مسؤلیت و ارائه اصل کلی در برخورد با این شروط، مصادیق مرتبط در دستورالعمل مذکور را با نتیجه بحث تطبیق داده است.

## ۱- بررسی حکمی شروط سالب مسؤلیت

در منابع فقهی بدون اینکه تعریفی از شرط سالب مسؤلیت ارائه شده باشد با عناوینی همچون «شرط عدم ضمان» (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۰/۳۷۴ و اصفهانی، ۱۴۱۸: ۱۷۴/۴) یا «اشترای عدم ضمان» (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲ الف: ۲۴۵ و صدر، ۱۴۰۱: ۱۹۱)؛ «شرط سقوط ضمان» (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۴۳/۵ و شهید اول، ۱۴۱۰: ۱۴۹)؛ «اسقاط ضمان» (طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۱۳۹ و عاملی‌کرکی، ۱۴۱۴: ۴/۱۰۲)؛ «تبری از ضمان» (موسوی‌خوئی، ۱۴۱۰: ۱۰۳ و وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۳/۵۵۶) یا «برائت ذمه از ضمان» (مفیدبغدادی، ۱۴۱۳: ۵۹۸ و سائر دیلمی، ۱۴۰۴: ۱۷۵) به این شرط اشاره شده و مصادیق این شروط در ابواب مختلف فقهی پراکنده است. این تذکر لازم است که از دیرباز شرط عدم ضمان و شرط برائت در مورد مسؤلیت پزشک (رک: شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۰/۱۱۲ و موسوی‌خوئی، ۱۴۱۸: ۳۰/۲۴۴) و مسؤلیت امین (میرزای‌قمی، ۱۴۱۳: ۲/۴۴۲؛ رشتی، ۱۳۱۱: ۲۴۵) مطرح و نظریه مسؤلیت پزشک حتی در فرض عدم تقصیر، بین فقیهان مشهور بوده است و تنها در صورتی پزشک غیرمقصر ملزم به جبران خسارت نمی‌شود که پیش از معالجه از بیمار یا ولی او، برائت اخذ کرده باشد (قاضی‌بن‌براج، ۱۴۰۶: ۴۹۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳/۳۷۳ و محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴/۲۳۱).

در توضیح شرط سالب مسؤلیت گفته شده است که این شرط، شرطی است که بین مسؤول و زیان‌دیده احتمالی آینده بسته می‌شود و به‌موجب آن مسؤول از پرداختن تمام یا بخشی از خسارت‌هایی که به‌واسطه نقض تعهدات قراردادی خویش ایجاد

۱- «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد».

2- Council Directive 93/13/EEC of 5 April 1993 on unfair terms in consumer contracts.

در انتقاد به صحت شروط راجع به سلب مسئولیت، گفته شده است که این شروط مانند ابراء ما لم یجب و باطل است؛ چراکه پیش از ورود زیان، توافق بر سر سلب مسئولیت به دلیل فقد متعلق آن، باطل است (ارسطا، ۱۳۸۸: ۶). با این توضیح که توافق درباره سلب کلی یا جزئی مسئولیت طرف قرارداد به منزله بری ساختن او از دینی است که احتمال ایجاد آن در آینده وجود دارد و از آنجایی که ابراء تنها در مورد دین موجود امکان دارد، چنین توافقی صحیح به نظر نمی‌رسد.

#### ب- نقد دلیل

در نقد دلیل مذکور، گفته شده است که باید بین ابراء ما لم یجب و قرارداد یا شرط سلب مسئولیت تفاوت قائل شد؛ زیرا مفاد شرط سلب مسئولیت ناظر به آینده است و موضوع قرارداد یا شرط ضمن عقد با در نظر گرفتن احتمالی بودن آن، قوام یافته و این مهم در حقیقت به معنای اسقاط دین نبوده و به معنای توافق بر عدم تحقق دین است (ایزنلو، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۸). به عبارت دیگر، شرط مورد بحث ناظر بر سقوط دین موجود نیست، بلکه توافقی است بر این موضوع که در صورت تجمع شرایط مسئولیت، مسئولیتی به وجود نیاید. این تذکر لازم است که حتی بر فرض اینکه شروط سالب مسئولیت به نوعی اسقاط دین تلقی شود، نمی‌توان چنین اسقاطی را ابراء ما لم یجب دانست؛ چراکه سبب وجود دین محقق است و قراردادی که به موجب آن شخص متعهد گردیده، جزء العله پیدایش مسئولیت و به عبارت دیگر مقتضی آن است (امامی، عبدی، ۱۳۷۸: ۸۰-۸۲؛ کریمی، ۱۳۸۶: ۶۴ و اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۷). کلام آن دسته از فقیهان که وجود مقتضی؛ یعنی عقد را برای صحت ابراء کافی دانسته‌اند، شاهدهی بر درستی این استدلال است (رک: رشتی، ۱۴۰۷: ۴۲۹ و مامقانی، ۱۳۵۰: ۶۲).

شایان توجه است که برخی فقیهان برخلاف نظر اکثریت، با استدلال به «روایت صحیح ابوبصیر از امام صادق (ع)» (رک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۳۹) ابراء ما لم یجب را صحیح دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳/۵۵). در این روایت امام صادق (ع) منظور از واژه «جامعه» را طوماری کامل و جامع همه احکام شریعت اسلام معرفی می‌کند و سپس برای بیان گستره جامعیت آن با اذن از ابوبصیر خراشی جزئی به وی وارد آورده و می‌فرماید حتی جریمه کار کوچکی چون این، در طومار مشخص شده است. برخی نویسندگان نیز بر این اعتقادند که علاوه بر مدلول این روایت، نظر برخی فقیهان در مورد عدم ثبوت قصاص در

کرده است معاف می‌گردد، به طوری که اگر این شرط وجود نداشت، متعهد (مسئول) ملزم به جبران خسارت می‌شد و این شرط ذمه، مدیون را از التزام به جبران خسارت بری نموده و زیان دیده به تنهایی متحمل ضرری می‌شود که متعهد و مدیون ایجاد کرده است (امامی و عبدی، ۱۳۷۸: ۷۸-۷۹ و نکوئی، ۱۳۸۹: ۵۵).

پرسشی که در این قسمت در پی آن هستیم، این است که برخورد فقهی با شروط سالب مسئولیت در فقه امامیه چگونه می‌باشد؟ از این رو در راستای پاسخ به این سؤال، ابتدا ادله قائلان به بطلان و صحت این گونه شروط در فقه امامیه مورد بررسی قرار گرفته و سپس با توجه به نتیجه کلی بحث و نظر مختار و با در نظر داشتن استثنائات، وارد بر نظریه صحت، در مورد شروط ناظر به سلب مسئولیت مندرج در ضمیمه دستورالعمل مذکور به طور خاص اظهار نظر شده است.

#### ۱-۱-۱- ادله بطلان شروط سالب مسئولیت

تقابل فواید و ضررهای اجتماعی و اقتصادی شروط سالب مسئولیت، موجب شده است تا در نظام‌های حقوقی در پذیرش یا عدم پذیرش این شرط تردید شود (عابدی، ۱۳۹۴: ۱) و بین فقیهان در مورد صحت و بطلان چنین شروطی اختلاف نظر به وجود آید؛ به همین دلیل مقتضی است که ادله قائلان به بطلان شروط سالب مسئولیت مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۱-۱-۱-۱ بطلان ابراء ما لم یجب و نقد آن

##### الف- تقریر دلیل

فقیهان به اتفاق آراء، ابراء دین ثابت در ذمه را صحیح و از دیدگاه ایشان ابراء دین غیر ثابت باطل و کسی نمی‌تواند دیگران را نسبت به دیونی که در آینده به وی خواهند داشت، بری کند؛ چراکه از نوع «ابراء ما لم یجب» محسوب می‌شود (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲/۲۵۹) که این نوع از ابراء محکوم به بطلان است (فاضل‌هندی، ۱۴۱۶: ۱۱/۲۰۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱/۶۰). از نمونه‌هایی که فقیهان به بطلان ابراء ما لم یجب استناد کرده‌اند می‌توان به ابراء ذمه زوج نسبت به نفقه آینده (حسینی‌مراغی، ۱۴۱۷: ۲/۵۱۴ و سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۵/۳۰۷)، ابراء مستعیر پیش از ارتکاب تعدی و تفریط (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۲: ب/۱۸)، ابراء غاصب از ضمان عین مغضوبه قبل از تلف (علامه‌حلی، ۱۴۱۳: ۲/۱۱۶؛ حسینی‌عاملی، ۱۴۱۹: ۱۵/۴۶۱) اشاره کرد.

۱۴۱ و ۱۴۸-۱۴۹). شاید به همین علت بوده است که برخی فقیهان حرمت اختلال نظام را از احکام اولیه و حفظ آن را از اوجب واجبات دانسته (رک: موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۲/۶۱۹ و منتظری نجف آبادی، ۱۴۰۹: ۱/۱۸۲) و در صورت تراحم حفظ نظام با سایر احکام اولیه و ثانویه، حفظ نظام را مقدم دانسته‌اند (باقی‌زاده و امیدی‌فرد، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

نفی تکلیف تجار به فراگیری اجتهادی احکام تجارت (رک: موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۳/۵۹۰)، ممنوعیت احتکار (تبریزی، ۱۴۲۶: ۲/۱۷)، لزوم جرح شاهد فاسق (طباطبایی‌قمی، ۱۴۱۳: ۱/۳۰۸)، لزوم معصومیت امام (علامه‌حلی، ۱۴۱۴: ۹/۳۹۵)، لزوم فصل خصومت طرفین دعوا توسط قضات (رشتی، ۱۴۰۱: ۵۹: حرمت شبیه‌سازی (مکارم‌شیرازی، ۱۴۲۵: ۴۵۵) از نمونه‌های فقهی است که فقیهان در فتوای خود به حرمت اختلال نظام و وجوب حفظ آن توجه نشان داده‌اند.

در استدلال به حرمت اختلال نظام در مورد بطلان شروط سالب مسؤولیت چنین آمده است که با توجه به اینکه حمایت از شروط سالب مسؤولیت به یک طرف قرارداد امکان می‌دهد تا با درج آن در قرارداد نسبت به خسارت‌های احتمالی آینده مصون بوده و از مسؤولیت قانونی رهایی یابند، چنین حمایتی، بی‌اعتنایی به رعایت قوانین و اجرای تعهدات را دربردارد (نکوهی، ۱۳۹۳: ۲۵۴) و متضمن رواج بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی خواهد بود و در واقع نتیجه‌ای جز عدم انگیزه متعهد در رعایت اقدامات احتیاطی به‌دنبال ندارد. علاوه بر اینکه همه تدابیر قانون‌گذار و رویه‌های قضایی در راستای حمایت از زیان‌دیدگان عقیم خواهد ماند و در واقع دعوت آشکاری به سوی تقصیر و بی‌مسؤولیتی است و رفتارهای ضداجتماعی را تقویت می‌کند (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۷۲) و ادامه چنین وضعیتی اختلال نظام را در پی خواهد داشت و از این جهت باید با اعلام عدم اعتبار شروط سالب مسؤولیت از بروز چنین وضعیتی جلوگیری کرد.

#### ب- نقد دلیل

طرفداران اعتبار شروط سالب مسؤولیت در پاسخ تحلیل طرفداران نظریه مقابل که نتیجه صحت چنین شروطی را اختلال نظام دانسته‌اند، در صدد نقض برآمده و ابراز داشته‌اند که قراردادهای متضمن شروط سالب مسؤولیت، از موضوعات موردنیاز و از ضروریات زندگی است و در بیش‌تر این قراردادها مردم برای رفع نیاز خود یا باید همه قرارداد را قبول کنند و یا به‌طور کلی از مزایای آن محروم شوند، افزون بر این، از آنجاکه

مواردی که قتل با اذن مقتول رخ داده است، شاهدهی بر اعتبار ابراء ما لم یجب می‌باشد (ارسطا، ۱۳۸۸: ۱۲). با این توضیح که مرحوم محقق حلی و به‌تبع ایشان برخی دیگر، در ضمن بحث از قصاص، فرعی را مطرح و گفته است که اگر شخصی به دیگری دستور دهد که «مرا بکش؛ وگرنه تو را خواهم کشت»، این دستور ارتکاب قتل توسط مأمور را مباح نمی‌سازد؛ چراکه اذن آمر، نمی‌تواند حرمت قتل را از بین ببرد. لیکن از آنجایی که مقتول، حق خویش را با اذن خود ساقط کرده است، اقدام به قتل مستلزم قصاص نیست و در این مورد حقی برای وراثت نیز متصور نخواهد بود (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴/۱۸۵ و شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۱۵/۸۹).

#### ۱-۲-۱- دلیل اختلال نظام و نقد آن

##### الف- تقریر دلیل

در برخی روایات می‌توان مواردی را یافت که در تعلیل حکم، به اهمیت جلوگیری از اختلال نظام توجه داده شده است که از آن میان می‌توان به روایت حفص بن غیاث از امام صادق علیه‌السلام در توجیه قاعده‌ی اشاره کرد که در این روایت امام (ع)، در توجیه اماریت ید برای تشخیص مالکیت، به «لَوْ لَمْ يَجْزُ هَذَا لَمْ يَقُمْ لِلْمُسْلِمِينَ سُوقٌ» استناد کرده که بیانگر توجه به اهمیت حفظ نظام بازار و جلوگیری از به‌هم خوردن نظم آن است (رک: کلینی، ۱۴۰۷: ۷/۳۸۷). علاوه بر این در روایتی دیگر از امام صادق (ع)، ایشان توجه و اهمیت رعایت صلاح در زندگی مردم را از اولویت‌های غیرقابل جایگزین معرفی نموده (رک: حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۷/۸۳-۸۴) که این امر نشان‌دهنده اهمیت خاصی شارع به اموری است که حفظ نظام حیات انسان منوط به آن می‌باشد. به‌همین دلیل، فقیهان در جای‌جای فقه به حفظ نظام و اختلال آن توجه نشان داده‌اند (ورعی، ۱۳۹۳: ۵). لیکن به‌علت وضوح اعتبار آن از نظر عقلی و متسالم بودن آن (سیفی‌مازندرانی، ۱۴۲۵: ۱۱) به‌صورت مستقل به این مهم پرداخته‌اند. باید توجه داشت که منظور از نظام، نظام عام اجتماع است که حفظ آن متوقف بر حفظ خرده‌نظام‌های اجتماعی می‌باشد که به‌حکم عقل مبنی بر وجوب مقدمه واجب، حفظ آن‌ها واجب و سامان معاش مردم و امنیت بلاد و سعادت دنیوی و اخروی در گرو آن است؛ و به‌همین دلیل هر حکمی که منجر به اختلال در هر یک از این خرده‌نظام‌ها شود، به‌علت اینکه در ادامه منجر به از بین رفتن نظام عام اجتماع می‌شود، محکوم به بطلان است (ملک‌افضلی‌اردکانی، ۱۳۹۶: ۱۳۳ و

انشای عقد باشد؛ حال آنکه مسئولیت قراردادی جزء آثاری که حیات عقد به آن بستگی داشته باشد، نیست. بلکه جزء آثار حاصل از تخلفات در انجام تعهدات قراردادی و یا تأخیر در آن می‌باشد و حتی اگر این مسئولیت به صورت باواسطه جزء آثار قراردادی محسوب شود، باز هم تشکیل دهنده ماهیت عقد نبوده و طرفین قرارداد می‌توانند برخلاف آن تراضی کنند و از این رو نمی‌توان از جهت مخالفت با مقتضای ذات عقد چنین شروطنی را باطل اعلام کرد (رک: امامی و عبدی، ۱۳۷۸: ۹۳).

#### ۱-۱-۴- مجهول بودن شرط

##### الف- تقریر دلیل

یکی دیگر از شرایطی که از دیدگاه فقیهان امامی منجر به بطلان شرط می‌شود و این بطلان، بطلان عقد را در پی دارد، شرط مجهولی است که جهل به آن به جهل در عوضین می‌انجامد. فقیهان در هنگام بررسی شرایط صحت شرط به چنین شرطی توجه نشان داده‌اند (رک: انصاری، ۱۴۱۵: ۶/۵۱ و طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱: ۲/۱۱۶). برخی نویسندگان چنین ابراز داشته‌اند که منتقدان اعتبار شروط سالب مسئولیت با این استدلال که در شرط سلب مسئولیت، میزان خسارت و دینی که در آینده ایجاد می‌شود نامعلوم است، چنین شرطی نامعلوم و در نتیجه باطل است و از آنجاکه جهل به موضوع شرط، منجر به جهل در عوضین می‌شود، قرارداد نیز باطل می‌شود (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۶۱).

##### ب- نقد دلیل

در پاسخ به استدلال مذکور، می‌توان گفت که نمی‌توان از جهت مجهول بودن به بطلان نظر داد؛ چراکه دلیلی بر اعتبار لزوم معلوم بودن این شرط وجود نداشته و حتی در صورت بطلان شرط نیز نمی‌توان آن را عامل بطلان قرارداد محسوب کرد؛ زیرا جهالت در موضوع چنین شرطی، در میزان و کیفیت عوضین تأثیری ندارد تا مجهولیت مسئولیت را سبب مجهول شدن عوضین بدانیم. علاوه بر این، مجهولیت این شرط در آینده منتهی به علم شده و از این جهت اشکال مجهول بودن آن نیز مرتفع می‌شود (امامی و عبدی، ۱۳۷۸: ۹۴)؛ و چه بسا بتوان گفت که در این میان تنها چیزی که نامعلوم است میزان مسئولیت احتمالی آینده می‌باشد و چون ثمن، اجرت و عمل معلوم است، این اشکال وارد نیست و ضرری به قرارداد وارد نمی‌شود (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۶۱). به نظر می‌رسد که حتی در فرض مجهول بودن شرط سالب مسئولیت و لزوم علم به آن، می‌توان از رهگذر دیدگاه آن

متعهدین قراردادها برای ماندن در صحنه رقابت ناگزیر به جلب توجه مردم هستند، سعی دارند کار خود را دقیق انجام داده و نمی‌خواهند به سبب بی‌دقتی و بی‌مسئولیتی، آینده شغلی خود را خراب کنند و نگرانی مخالفان شرط سلب مسئولیت تنها در صورتی توجیه‌پذیر است که هیچ پایبندی و تعهدی در قبال مسئولیت در جامعه وجود نداشته باشد (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۷۳-۱۷۴) و چه بسا ممکن است مخالفت با چنین شروطنی منجر به افزایش قیمت کالا و خدمات و تحمیل این هزینه بر مصرف‌کنندگان شود؛ چراکه در چنین وضعیتی، هزینه‌های بیمه مسئولیت در قیمت نهایی کالا و خدمات منظور می‌گردد (امامی، عبدی، ۱۳۷۸: ۸۸-۸۹ و ارسطو، ۱۳۸۸: ۸) و ترس از خطر و زیان ناشی از مسئولیت، منجر به رکود سرمایه‌گذاری و ایجاد تورم (امامی، عبدی، ۱۳۷۸: ۹۷) و عدم عرضه محصولات جدید یا خدمات نوین خواهد شد؛ چراکه تولیدکننده یا ارائه‌کننده خدمات در چنین وضعیتی ترجیح می‌دهد به تولید و ارائه محصولی بپردازد که به علت تکرار تولید و ارائه، خطری در پی ندارد (عابدی، ۱۳۹۴: ۹) و از این رو باید چنین معتقد شد که این بطلان شروط سالب مسئولیت است که برخلاف مصالح و منافع عمومی بوده و منجر به اختلال نظام خواهد شد.

#### ۱-۱-۳- مخالفت با اقتضای ذات عقد

##### الف- تقریر دلیل

برخی نویسندگان در تقریر دلیل مذکور، ابراز داشته‌اند که از آنجاکه عقد منبع تعهد بوده و تعهد همراه با التزام است، اگر متعهد التزام و مسئولیتی در قبال تعهد خود نداشته باشد و متعهدله نتواند وی را تحت تعقیب قانونی قرار دهد، اجرای تعهد، اختیاری شده و جوهر خود را از دست می‌دهد؛ بنابراین باید معتقد شد که شرط سلب مسئولیت خلاف مقتضای عقد بوده و با نتیجه تعهد که پیدایش تکلیف است، در تضاد می‌باشد (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۶۶-۱۶۷). این تذکر لازم است که فقیهان از دیرباز به بحث مخالفت شرط با مقتضای ذات عقد توجه داشته و از رهگذر آن به بطلان برخی از شروط نظر داده‌اند (رک: طوسی، ۱۳۸۷: ۲/۲۴۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲/۱۱۰ و عاملی کرکی، ۱۴۱۴: ۱۳/۳۹۲).

##### ب- نقد دلیل

برخی نویسندگان در مقام انتقاد از استدلال یادشده، ابراز داشته‌اند که شرط سلب مسئولیت، در صورتی می‌تواند مخالف مقتضای ذات باشد که خود مسئولیت، جزء ذات عقد و مورد

شرط، تنها چیزی است که می‌توان از قاعده شرط استفاده کرد؛ اما صحت و منشأ اثر بودن شرط را نمی‌توان از این قاعده به دست آورد؛ چراکه عموم قاعده شرط دلالتی بر مشروعیت شرط ندارد (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۵۱). در توضیح این انتقاد می‌توان گفت که استناد به عموم این دلیل متوقف بر احراز مشروعیت شرط از رهگذر عدم مخالفت آن با کتاب و سنت است و بدون آن استناد به عموم «المؤمنون عند شروطهم» با اشکال تمسک به عام در شبهات مصداقی روبه‌رو است (رک: قبولی درافشان، ۱۳۹۴: ۳۲۰).

### ج- تقریر استدلال به قاعده فقهی تسلیط و نقد آن

فقیهان در بسیاری از موارد، احکام استنباطی خود را به قاعده تسلیط مردم بر اموال و املاک خود معلل کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۳/۲۷۲؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲/۳۸۲ و علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱/۲۴۷). از آنجاکه براساس این تعلیل، مالک می‌تواند هریک از تصرفات حلال را در ملک خود اعمال کند و آن را بدون ضمان در اختیار دیگری قرار دهد؛ قائلان به صحت شرط سالب مسؤلیت با این استدلال که صرف نظر کردن از حق احتمالی آینده و بری‌الذمه ساختن مدیون، یکی از انواع تصرفات محسوب می‌شود، به این قاعده استناد کرده‌اند (ارسطا، ۱۳۸۸: ۱۶ و اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۲-۱۵۳).

در نقد این استدلال می‌توان گفت که قاعده تسلیط توان سبب‌سازی برای حکم را ندارد و نمی‌توان از رهگذر آن به صحت یا بطلان شرط نظر داد؛ چراکه مفهوم قاعده توانایی تصرف مالک در ملک است، نه صحت یا بطلان شرط (رک: جزائری‌مروج، ۱۴۱۶: ۱/۳۹۵).

### د- تقریر استدلال به قاعده فقهی اقدام

از نقطه نظر فقهی، هرگاه شخصی به صورت آگاهانه زمینه ورود زیان به خود از سوی دیگران را فراهم آورد، واردکننده زیان که شخص دیگری است، مسؤول خسارت نخواهد بود و فقیهان در توجیه این امر به قاعده «اقدام» استناد جسته‌اند (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۱/۲۲۱)؛ بر این اساس می‌توان چنین معتقد شد که قاعده اقدام یکی از دلایل صحت شرط سلب مسؤلیت است، به این بیان که افراد می‌توانند با اقدام ارادی و رضایت‌مندانه حق خود را درخصوص موردی ساقط یا محدود کنند.

دسته از فقیهانی که جواز ابراء در مجهول را به مشهور نسبت داده‌اند، استدلال طرفداران بطلان شرط سالب مسؤلیت را مخدوش کرد (شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۸/۲۸۱).

### ۱-۲-۱- ادله صحت شرط سالب مسؤلیت

۱-۲-۱- عموم اوفوا بالعقود و قواعد فقهی شروط، تسلیط و اقدام

#### الف- تقریر استدلال به عموم اوفوا بالعقود و نقد آن

برخی فقیهان بر این اعتقادند که ادله دال بر لزوم وفای به عقد؛ همچون عموم شریفه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» بر صحت شرط ضمن عقد نیز دلالت دارند؛ چراکه این دسته از شروط، جزئی از عقد محسوب شده و وفای به عقد مقتضی وفای به شروط ضمن آن است (حسینی‌مراغی، ۱۴۱۷: ۲/۴۴۷؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۵/۲۱ و طباطبایی‌یزدی، ۱۴۲۱: ۲/۱۲۳). بر همین اساس برخی از نویسندگان، استدلال قائلان به اعتبار شرط سالب مسؤلیت را چنین تقریر کرده‌اند که با توجه به اینکه که امر ظهور در وجوب دارد و آیه شریفه مذکور با صیغه امر شروع شده است، وفای به همه عهدها واجب بوده و از آنجاکه شرط سلب مسؤلیت ضمن قرارداد یک نوع تعهد است، عموم آیه شامل آن نیز می‌شود (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

به نظر می‌رسد که با این استدلال نمی‌توان صحت شرط را نتیجه گرفت؛ چراکه عموم قاعده مقتضی وجوب وفای به عقد است، نه صحت شرط ضمن آن؛ حال آنکه آیه شریفه در وفای به عقد صراحت دارد و شرط، عقد محسوب نمی‌شود و چه بسا فردی بدون اینکه به شرط ترتیب‌اثر دهد، به عقد وفا نماید (طباطبایی‌قمی، ۱۴۰۰: ۴/۲۲ و حسینی روحانی‌قمی، ۱۴۲۹: ۵/۲۱۲).

#### ب- تقریر استدلال به قاعده فقهی شروط و نقد آن

از دیدگاه طرفداران صحت شرط سالب مسؤلیت، می‌توان با استناد به عموم «المؤمنون عند شروطهم» وفای به این شروط را لازم دانست؛ با این توضیح که وجوب وفای به شرط کاشف از صحت آن است و شرط سلب مسؤلیت ویژگی خاصی ندارد که سبب استثنای آن از حکم سایر شروط شود (اصغری، ۱۳۹۰: ۱۵۰-۱۵۱). نمونه‌های زیادی از استنادات فقیهان به عموم «المؤمنون عند شروطهم» در متون فقهی شاهی بر صحت این استناد است (رک: بحرانی، ۱۴۰۵: ۱/۱۵۳؛ رشتی، ۱۴۰۷: ۴۸۷ و انصاری، ۱۴۱۵: ۵/۳۰۸).

این استدلال از سوی طرفداران نظریه مقابل، مورد تردید واقع شده و در مقام انتقاد از آن گفته شده است که لازم‌الوفاء بودن

## ۱-۲-۲- عرف و رویه عملی

### الف- تقریر دلیل

از نقطه نظر طرفداران اعتبار شروط سالب مسئولیت، یکی دیگر از دلایلی که می‌توان با استفاده از آن اعتبار این دسته از شروط را نتیجه گرفت، عرف و رویه عملی است؛ با این توضیح که عرف جامعه از طریق پذیرش شروط مربوط به سلب مسئولیت در قراردادهای الحاقی که در راستای فرار از مسئولیت و تثبیت و بقای منافع یکی از طرفین قرارداد منعقد می‌شود، مهر صحتی بر این شروط زده است که این امر به‌خصوص در رقابت‌های بین‌المللی خصوصاً در زمینه حمل‌ونقل دریایی آشکارتر می‌باشد (امامی و عبدی، ۱۳۷۸: ۹۸).

### ب- نقد دلیل

به نظر می‌رسد که این دلیل به‌تنهایی قادر به اثبات اعتبار شروط سالب مسئولیت نیست؛ چراکه فقیهان امامی برای عرف ارزش استدلالی مستقلی قائل نشده و معتقدند که مقصود از مراجعه به عرف، استفاده از عرف در تشخیص و تمییز متعلق حکم شرعی و موضوع آن است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۱/۶۵ و موسوی‌خمینی، ۱۴۱۸: ۱/۲۲۷).

## ۲- نظر مختار و استثنائات وارد بر آن

با در نظر گرفتن ادله ابرازی از سوی طرفداران بطلان، شروط سالب مسئولیت و ادله منتقدان ایشان می‌توان چنین معتقد شد که نظریه بطلان شروط سالب مسئولیت، مستند متقنی نداشته و قابل پذیرش نیست؛ و با توجه به اینکه دلیلی بر منبع اعتبار این گونه از شروط در فقه به چشم نمی‌خورد، باید صحت این شروط را به‌عنوان اصلی کلی پذیرفت. این تذکر لازم است دلایلی همچون مطابقت چنین شرطی با قاعده فقهی اقدام و اقتضای مصلحت و نیاز جامعه و اصل آزادی قراردادی، مهر تأییدی بر این دیدگاه می‌باشد. شایان توجه است که مطابق با نظر برخی نویسندگان (ایزانلو، ۱۳۹۰: ۱۲۲)، براساس اصل اخیر، همان آزادی که سبب ایجاد تعهد شده، می‌تواند قلمرو و آثار تعهد را نیز معلوم کند و همان‌گونه که شخص می‌تواند از اصل متعهد نشود، به‌طریق اولی می‌تواند تا حد معینی ملتزم گردد؛ بنابراین شرط سلب مسئولیت دقیقاً منطبق با آزادی قراردادی طرفین است که یا نخواسته‌اند مسئولیتی را بپذیرند و یا آن را محدود کرده‌اند؛ و در صورتی که طرفین قرارداد فارغ از موانعی که در ادامه خواهد آمد، عدم مسئولیت متعهد را پذیرفته باشند،

این وضعیت، کاشف از حصول تعادل قراردادی برای طرفین است؛ چراکه به آن رضایت داده‌اند و احترام به آزادی قراردادی و تعیین مفاد قرارداد توسط ایشان مستلزم احترام به شرط سلب مسئولیت است.

البته باید توجه داشت که پذیرش اعتبار شروط سالب مسئولیت به‌عنوان یک اصل کلی مطرح است و نباید با توجه به مزایای چنین شروطی، از برخی پیامدهای منفی آن‌ها غافل شد و از این رو باید در راستای کنترل این شروط کوشید و از سوءاستفاده و بهره‌برداری ناروای سودجویان از جواز شرعی و قانونی این شروط جلوگیری کرد. به‌همین علت در این قسمت به برخی استثنائات اصل کلی صحت شروط سالب مسئولیت، یعنی بطلان شرط در فرض تقصیر، تجاوز به سلامت و غرر اشاره خواهد شد.

### الف- بطلان شرط در فرض تقصیر

بر فرض پذیرش صحت و اعتبار شروط سالب مسئولیت، سؤالاتی که ممکن است به ذهن متبادر شود، این است که در چنین فرضی، آیا مشروطه به‌طور کلی از مسئولیت معاف می‌گردد یا با اثبات تقصیر، می‌توان وی را مسؤول شناخت؟ در فرضی که مشروطه به‌صراحت فرض تعدی و تفریط را در شرط عدم ضمان قید می‌کند، شرط چه وضعیتی خواهد داشت؟ آیا بازهم می‌توان به اعتبار آن نظر داد؟

از دیدگاه فقیهان، تعدی و تفریط از اسباب مسئولیت به‌شمار آمده و در موارد متعددی در مباحث مربوط به امانات به‌صورت ویژه مورد توجه قرار گرفته است. توضیح اینکه، قاعده اولیه این است که اگر فردی بر چیزی مسلط شود و بر آن وضع ید کند، ضامن است و ید وی ضمانی محسوب خواهد شد، لیکن ایادی امانی از این قاعده استثناء شده و استئمان از مسقطات ضمان به‌شمار آمده است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، این است که در چنین موارد استثنائی باید به‌قدر متیقن از استثناء کفایت نمود و مازاد بر آن را تحت شمول قاعده کلی ضمان ید قرار داد و به این اعتبار در صورتی که امین از حدود وظایف خود خارج شده و نسبت به امانت تعدی یا تفریط کند، ضامن خواهد بود و ید وی وصف امانی خویش را از دست خواهد داد (حسینی‌مراغی، ۱۴۱۷: ۲/۴۴۵-۴۴۸).

به نظر می‌رسد که از ملاحظه آثار فقیهان بتوان چنین نتیجه گرفت که حتی در فرض شرط عدم ضمان، در صورتی که بتوان تعدی و تفریط مشروطه را به اثبات رساند، می‌توان به

اَکَل مال به باطل را بر اطلاق این حدیث حاکم دانست (جزائری مروج، ۱۴۱۶: ۱/ ۴۰۸)؛ و به استثنائات متعددی که از سوی خردمندان و شریعت بر تسلط انسان نسبت به اموال وارد شده است، توجه نمود (مکارم‌شیرازی، ۱۴۱۱: ۲/ ۳۵-۳۶). از جمله این استثنائات می‌توان به موارد اسراف و تبذیر همچون اتلاف مال از طریق انداختن به دریا، موارد صرف مال در زمینه‌های حرام همچون؛ خرید مشروبات الکلی، تصرف مازاد بر ثلث در وصیت، برخی تصرفات در مرض موت و موارد تجاوز به حق دیگران برای اعمال حق خویش، اشاره کرد (ایروانی، ۱۴۲۶: ۲/ ۱۰۲).

از آنجاکه درج شروط سالب ضمان در قراردادهای یکی از انحاء تصرف است، در این‌گونه تصرفات نیز باید به استثنائات جواز تصرف توجه داشت و در چنین مواردی، در اعتبار این شروط تردید کرد. از دیدگاه نگارنده، به رسمیت شناختن شرط سالب مسؤولیت در فرض تعدی و تفریط را می‌توان در ذیل موارد منجر به اختلال نظام، مطرح و این موارد را نیز از زمره استثنائات قاعده تسلط دانست.

#### ب- بطلان شرط در فرض تجاوز به سلامت

یکی از احکام مسلم اسلامی، حرمت تعرض به سلامت نفس اعم از جان، عضو و وجوب حفظ آن است. بسیاری از فقیهان در جای‌جای فقه به این مهم توجه داشته و به ضروری و بدیهی بودن حفظ نفس محترمه به‌عنوان یکی از مصالح اجتماعی نظر داده (رک: علامه‌حلی، ۱۴۱۴: ۱۷/ ۳۰۹؛ شهیدثانی، ۱۴۰۲: ۲/ ۹۰۳؛ عاملی‌کرکی، ۱۴۱۴: ۲/ ۳۹۵ و نجفی، ۱۴۰۴: ۳۸/ ۱۷۴) و معتقدند که اذن رافع حکم تکلیفی نیست (طوسی، ۱۳۸۷: ۷/ ۳ و موسوی‌خویی، ۱۴۱۸: ۴۲/ ۱۸). از آنجاکه این موارد از زمره احکام تکلیفی است؛ از این‌رو در این موارد محملی برای اسقاط وجود ندارد (رک: انصاری، ۱۴۱۵: ۶/ ۲۷۲)، علاوه بر اینکه توافق برخلاف این احکام به‌واسطه شرط سالب مسؤولیت مانند توافق برخلاف کتاب و سنت و در نتیجه نامشروع و باطل است (نراقی، ۱۴۱۷: ۱۲۹؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۵/ ۱۱۲ و نجفی، ۱۴۰۴: ۲۳/ ۶۴).

#### ج- بطلان شرط در فرض غرر

بسیاری از فقیهان در برخی موارد در توجیه بطلان اعمال حقوقی به غرر استناد کرده‌اند؛ که از این موارد می‌توان به استیجار برای حمل توده مجهول‌المقدار (رک: عاملی‌کرکی، ۱۴۱۴: ۷/ ۱۰۹ و حسینی‌عاملی، بی‌تا: ۱۹/ ۳۵۶)، بیع ما یراد

مسؤولیت وی معتقد شد. نمود این بحث را می‌توان در مباحث فقهی‌ای که در آن به عدم ضمان امین استناد شده است، رهگیری نمود. در این مباحث فقیهان با اینکه به عدم ضمان امین به‌عنوان یکی از استثنائات ید توجه نشان داده‌اند، لیکن امین را در فرضی از مسؤولیت معاف می‌دانند که زیان وارده مستند به تعدی و تفریط وی نباشد (رک: طوسی، ۱۳۸۷: ۳/ ۲۴۳؛ ابن‌زهرة، ۱۴۱۷: ۲۶۷؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲/ ۴۰۹؛ علامه‌حلی، ۱۴۲۰: ۳/ ۱۱۷ و نجفی، ۱۴۰۴: ۵/ ۵۱). از دیدگاه نگارنده، این دیدگاه به مصلحت جامعه نزدیک‌تر است؛ چراکه اگر قرار باشد، مشروط‌اله حتی در صورت ارتکاب تقصیر از مسؤولیت معاف باشد، چه‌بسا دقت لازم در جهت انجام تعهد را به‌کار نبرد و در اثر بی‌احتیاطی و عدم انجام اقدامات لازم، حقوق مشروط‌علیه را به مخاطره اندازد که چنین وضعیتی موجب گسترش بی‌احتیاطی و در نهایت زیان جامعه و از مصادیق منجر به اختلال نظام خواهد بود.

شایان توجه است که نباید از مواردی که به‌نحو تخصیص یا تخصّص از محدوده دلالت قاعده تسلط خارج است، غفلت کرد. برخی فقیهان در ضمن بررسی قاعده تسلط به این مهم توجه نشان داده و ابراز داشته‌اند که بر فرض پذیرش سندی حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم»، در مورد حدود دلالت این قاعده، سه دیدگاه از سوی فقیهان امامی مطرح شده است که براساس دیدگاه نخست، عموم این حدیث، همه تصرفات مالک اعم از کمی؛ همچون سلطنت مالک بر بیع، هبه، اجاره و کیفی؛ یعنی تسلط بر کیفیت انشاء تصرف در مال همچون؛ چگونگی صیغه عقد را دربرمی‌گیرد؛ و مطابق با دیدگاه دوم، این حدیث تنها ناظر بر تصرفات کمی است و در مقام تشریح اسباب و تنفیذ آن‌ها نیست و بالاخره دیدگاه سوم، حدیث را در مقام بیان سلطنت مالک نسبت به تصرفات مشروع در اموال دانسته و دلالت آن را به استقلال مالک در تصرفات مشروع بدون توقف بر اجازه دیگران محدود ساخته است (جزائری مروج، ۱۴۱۶: ۱/ ۴۰۱-۴۰۸ و ایروانی، ۱۴۲۶: ۲/ ۱۰۰-۱۰۳). شایان ذکر است که برخی فقیهان با این اعتقاد که مدرک این قاعده سیره عقلایی است که به‌امضای شارع رسیده و سایر ادله‌ای از سوی فقیهان قابل‌مناقشه است و نیز با این توضیح که در این موارد باید به‌قدر متیقن اکتفا کرد، دیدگاه سوم را بر سایر نظرات ترجیح داده‌اند (ایروانی، ۱۴۲۶: ۲/ ۱۰۲). برخی هم پس از پذیرش این دیدگاه، چنین معتقد شده‌اند که باید موارد حرمت



براساس بند مذکور، در صورتی که فروشنده یا ارائه‌کننده خدمات، در ضمن قرارداد شرط کند که به صورت کلی یا جزئی نسبت به فوت یا صدمات جسمی طرف مقابل که بر اثر فعل یا ترک فعل وی (فروشنده یا ارائه‌کننده خدمات) رخ داده است، مسؤولیتی نداشته باشد، چنین شرطی مصداقی از شروط غیرمنصفانه و در نتیجه باطل خواهد بود. با توجه به اینکه از نقطه نظر فقهی، حفظ نفس محترم واجب و تعرض به سلامت نفس اعم از جان و عضو محکوم به حرمت می‌باشد و از آنجاکه براساس آموزه‌های فقه امامیه یکی از شرایط صحت شرط عدم مخالفت آن با کتاب و سنت است، می‌توان با استدلال به وضوح مخالفت چنین شرطی با حکم شریعت و با تمسک به این نکته که این شروط با فراهم کردن زمینه تعرض به سلامت افراد جامعه، به اختلال نظام اجتماعی و برهم خوردن نظم عمومی می‌انجامد، به بطلان آن‌ها نظر داد.

#### ب- شرط سلب مسئولیت نسبت به مطالبه خسارت ناشی از تقصیر (بند B)

مطابق با بند مذکور، شرطی که در صورت عدم اجرای همه یا برخی تعهدات قراردادی و یا اجرای ناقص آن‌ها توسط فروشنده یا ارائه‌کننده یا شخص ثالث، هر ادعایی از سوی مصرف‌کننده نسبت به مطالبه حقوق قانونی خود همچون جبران خسارت ناشی از تقصیر فروشنده یا ارائه‌کننده را از بین برده یا محدود سازد، غیرمنصفانه تلقی شده و باید از رهگذر بطلان این دسته از شروط، زمینه حمایت از مصرف‌کننده را فراهم آورد.

این تذکر لازم است که در ادامه بند (B)، شرط عدم مطالبه خسارت ناشی از تقصیر به عنوان مصداقی از شروط غیرمنصفانه قابل انطباق با شروط کلی مورد نظر بند مذکور، معرفی شده که به نظر مورد تأمل است؛ چراکه اگر قرار باشد مشروطه حتی در صورت ارتکاب تقصیر از مسئولیت معاف باشد، چه بسا دقت لازم در جهت انجام تعهد را به کار نبرده و در اثر بی احتیاطی و عدم انجام اقدامات لازم، حقوق مشروط علیه را به مخاطره اندازد که چنین وضعیتی موجب گسترش بی احتیاطی و در نهایت زیان جامعه و از مصادیق منجر به اختلال نظام خواهد بود.

این تذکر لازم است که اگر بتوان این موارد را از زمره تصرفاتی همچون اکل مال به باطل و اسراف و تبذیر محسوب کرد، می‌توان چنین معتقد شد که بطلان مصداق مطرح شده در بند (B) از زاویه دید فقیهانی که دلالت حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم» را به استقلال مالک در تصرفات مشروع بدون توقف

طعمه در فرض عدم آزمایش (سیوری حلی، ۱۴۰۴: ۲/۲۸)، بیع ملامسه و منابذه (انصاری، ۱۴۲۱: ۶۸) و بیع حلیب مع ما فی الضرع (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۲/۳۲۲) اشاره کرد.

برخی فقیهان پس از ارائه معانی غرر از دیدگاه واژه‌شناسان، چنین اظهار می‌دارند که محصل این عبارات را باید در آنچه مستلزم خطر است رهگیری نمود و از این موارد در بحث غرر، سخن گفت. از دیدگاه ایشان خطر عبارت از احتمال ضرری است که خردمندان از آن اجتناب می‌کنند و احتمالات ضعیفی که مردم به آن اعتنایی ندارند، با این عنوان قرار نمی‌گیرد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲/۳۱۴ و نراقی، ۱۴۱۷: ۹۳). به دیگر سخن، خطر عبارت است از عدم اطمینان طرفین قرارداد یا یکی از آن‌ها به اینکه آیا آنچه از رهگذر عقد به دست می‌آید، قابلیت معاوضه را داراست یا خیر؟ و در فرض قابلیت یا عدم قابلیت، آیا چنین عوضی محقق‌الحصول می‌باشد؟ این تذکر لازم است که منشأ خطر بسته به موارد مختلف، متفاوت می‌باشد و گاهی ناشی از عدم اطمینان به وجود مال و امثال آن و گاهی هم ناشی از عدم وثوق به امکان تسلیم و تسلّم و قبض و اقباض است و برخی اوقات نیز از عدم اطمینان به قابلیت معاوضه به دلیل جهل به مقدار، جنس و وصف عوض نشأت می‌گیرد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲/۳۱۴ و نراقی، ۱۴۱۷: ۹۳-۹۴).

با توجه به توضیحات مذکور، به نظر می‌رسد در مواردی که درج شرط سالب مسئولیت، منجر به غرری شدن قرارداد شود، باید با اعلام بطلان، از خطر که در واقع هسته بنیادین غرر را تشکیل می‌دهد، اجتناب کرد.

#### ۳- تطبیق فقهی شروط ناظر بر سلب مسئولیت مندرج در ضمیمه دستورالعمل ۹۳/۱۳

از بین شروط مندرج در ضمیمه دستورالعمل ۹۳/۱۳ راجع به شروط غیرمنصفانه در قراردادهای مصرف‌کننده می‌توان به شروط (A)، (B)، (C) و (N) از زاویه شروط سالب مسئولیت نگریست و آن‌ها را با این عنوان مورد بررسی قرارداد. به نظر می‌رسد که برای اظهار نظر در مورد صحت یا بطلان شروط سالب مسئولیت مندرج در ضمیمه دستورالعمل، باید امکان یا عدم امکان تطبیق این شروط را با استثنائات وارد بر اصل صحت شروط سالب مسئولیت، مورد بررسی قرار داد.

#### الف- شرط سلب مسئولیت نسبت به فوت و صدمات جسمانی (بند A)

منظور از نمایندگی رابطه‌ای حقوقی است که براساس آن، شخصی به‌عنوان نماینده و به حساب اصیل اقدام به انجام اعمال دارای اثر حقوقی می‌نماید که آثار این اعمال متوجه اصیل خواهد شد.

برخی نویسندگان از زاویه نقش نماینده در تحمل آثار اعمال حقوقی انجام‌شده به نمایندگی توجه نشان داده و چنین ابراز داشته‌اند که نمایندگی از این حیث به دو دسته نمایندگی مستقیم و نمایندگی غیرمستقیم تقسیم می‌شود که در نوع نخست، نماینده عمل حقوقی را به نام و حساب اصیل انجام داده که در این فرض آثار عمل حقوقی به‌صورت مستقیم متوجه شخص اصیل می‌گردد و در نوع دوم نماینده عمل حقوقی را به نام خود و به حساب اصیل انجام داده و تعهدات ناشی از این عمل متوجه خود نماینده می‌شود و در این فرض شخص ثالث حق رجوع به اصیل و مطالبه تعهدات ناشی از قرارداد از وی را نخواهد داشت (محقق داماد و منشی‌زاده‌طهرانی، ۱۳۸۹: ۲۷۹ و ۲۸۸).

یکی از مباحث مطرح در عقد وکالت که با مباحث مطرح در تفاوت‌های اقسام نمایندگی هم‌خوانی دارد، فرضی است که برخی فقیهان مطرح کرده و در مواردی که وکیل بدون افشای نمایندگی، به نمایندگی از موکل اقدام به انعقاد قرارداد نموده باشد، این حق را برای طرف قرارداد به رسمیت شناخته‌اند که به شخص وکیل مراجعه کند (رک: شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۵/۳۰۲ و نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷/۴۴۰-۴۴۱).

به نظر می‌رسد که با توجه به پذیرش صحت شروط سالب مسؤولیت به‌عنوان اصلی کلی، به‌طریق اولی شروطی که به سلب جزئی درصد تحدید مسؤولیت مشروطه هستند نیز صحیح به نظر می‌رسند که شرط مطرح در بند (N) ضمیمه دستورالعمل نیز از این مهم مستثنا نخواهد بود و برای اظهار نظر فقهی در مورد چنین شرطی باید به متعلق تعهدات مورد بحث توجه کرد و در صورتی که این تعهدات ناظر به استثنائات وارد بر اصل کلی صحت شروط سالب مسؤولیت؛ همچون موارد وجود تقصیر، تجاوز به سلامت و مستلزم غرر باشد، می‌توان به عدم صحت چنین شروطی نظر داد.

#### نتیجه‌گیری

این جستار با توصیف و نقد فقهی دلایل قائلان به بطلان شروط سالب مسؤولیت و دستیابی به اصل کلی صحت این شروط، استثنائاتی را بر این اصل وارد دانسته و به این نتیجه

بر اجازه دیگران محدود ساخته‌اند، توجیه‌پذیر است. علاوه بر این، شاید بتوان با این استدلال که موارد شرط سلب مسؤولیت ناشی از تقصیر منجر به عدم اطمینان به حصول نتیجه مورد نظر قرارداد خواهد شد، از نقطه نظر فقیهانی که سیاق موارد غرری منهی از سوی شارع را دال بر احتساب خطر به‌عنوان عنصر اصلی غرر دانسته‌اند، بطلان چنین شروطی را نتیجه گرفت.

#### ج- شرط سلب مسؤولیت نسبت به تدارک خدمات (بند C)

براساس این بند، با وجود اینکه مصرف‌کننده ملزم به پایبندی به قرارداد بوده و حقی برای فسخ آن ندارد، فروشنده یا ارائه‌کننده خدمات از رهگذر شرط، حق پیدا می‌کند که تدارک خدمات را منوط به شرایطی نماید که تحقق آن‌ها تنها تابع اراده یک‌جانبه وی باشد. به نظر می‌رسد که این شرط از دیدگاه فقهی نیز محکوم به بطلان باشد؛ زیرا در این فرض، مصرف‌کننده به شرایط و اوضاع و احوالی که تابع اراده یک‌جانبه مشروطه می‌باشد، جاهل است که این امر حقوق وی را به مخاطره خواهد انداخت. به همین جهت می‌توان با تمسک به غرر ناشی از این جهالت به بطلان شرط مذکور نظر داد. علاوه بر اینکه در واقع مشروطه با درج چنین شرطی درصد سلب مسؤولیت خود در هر شرایطی است و چه بسا اصلاً اراده مشروطه به تحقق شرایط تعلق نگیرد؛ حال آنکه مصرف‌کننده موظف است به چنین قراردادی پایبند باشد.

#### د- شرط سلب مسؤولیت نسبت به تعهدات نماینده (بند N)

براساس این بند، شروطی که مسؤولیت فروشنده یا ارائه‌کننده خدمات را نسبت به پذیرش تعهدات نماینده خود محدود کند و یا انجام آن‌ها را به تشریفات مخصوصی منوط نماید، مصداقی از مصادیق شروط غیرمنصفانه و در نتیجه محکوم به بطلان است. این تذکر لازم است که براساس ماده ۳:۱۰۱ اصول حقوق قراردادهای اروپایی<sup>۱</sup> و براساس بند یک ماده یک کنوانسیون نمایندگی در بیع بین‌المللی کالا<sup>۲</sup>، می‌توان چنین دریافت که

1- Article 3:101: Scope of the Chapter (1) This chapter governs the authority of an agent or other intermediary to bind its principal in relation to a contract with a third party. (2) This chapter does not govern an agent's authority bestowed by law or the authority of an agent appointed by a public or judicial authority. (3) This chapter does not govern the internal relationship between the agent or intermediary and its principal.

2- This Convention applies where, one person, the agent, has authority or purports to have authority on behalf of another person, the principal, to conclude a contract of sale of goods with a third party.

- ایزانلو، محسن (۱۳۹۰). شروط محدودکننده و ساقطکننده. چاپ سوم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- ایروانی، باقر (۱۴۲۶). دروس تمهیدی فی القواعد الفقهیه. جلد اول و دوم. چاپ سوم. قم: دار الفقه للطباعة و النشر.

- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵). الحدائق الناصره فی الاحکام العتره الطاهره. جلد اول، نهم، بیست و یکم، بیست و دوم و بیست و چهارم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- تبریزی، جواد (۱۴۲۶). منهاج الصالحین. جلد دوم. قم: مجمع الإمام المهدی (عج).

- جزائری، سیدمحمد جعفر (۱۴۱۶). هدی الطالب فی شرح المکاسب. جلد اول و سوم. قم: مؤسسه دار الکتاب.

- حسینی روحانی قمی، سیدمحمدصادق (۱۴۲۹). منهاج الفقاهه. جلد پنجم و ششم. چاپ پنجم. قم: انوار الهدی.

- حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد (۱۴۱۹). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. جلد سیزدهم، پانزدهم، شانزدهم، هفدهم و نوزدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- حسینی عاملی، محمد جواد بن محمد (بی تا). مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه. جلد دهم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- حسینی مراغی، عبد الفتاح بن علی (۱۴۱۷). العناوین الفقهیه. جلد اول و دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- رشتی، حبیب الله بن محمد علی (۱۳۱۱). کتاب الإجاره. بی جا: بی نا.

- رشتی، حبیب الله بن محمد علی (۱۴۰۱). کتاب القضاء. جلد اول. چاپ دوم. قم: دار القرآن الکریم.

- رشتی، حبیب الله بن محمد علی (۱۴۰۷). فقه الإمامیه. قسم الخیارات. قم: کتابفروشی داوری.

- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳). مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام. قم: مؤسسه المنار.

- سائر دیلمی، حمزه بن عبد العزیز (۱۴۰۴). المراسم العلویه و الاحکام النبویه. جلد هجدهم، نوزدهم، بیستم، بیست و یکم، بیست و پنجم و بیست و نهم. چاپ چهارم. قم: منشورات الحرمین.

دست یافته است که شروط سالب مسئولیت مندرج در دستورالعمل ۹۳/۱۳ جامعه اقتصادی اروپا از قرار شرط سلب مسئولیت نسبت به فوت یا صدمات جسمانی ناشی از فعل یا ترک فعل، با استناد به اختلال نظام، شرط سلب مسئولیت نسبت به خسارت‌های ناشی از تقصیر با استناد به اختلال نظام، اکل مال به باطل و غرر، شرط سالب مسئولیت حاصل از اناطه تدارک خدمات به اراده یک جانبه مشروطه با استناد به غرر و شرط سلب مسئولیت نسبت به تعهدات نماینده در حیطة استثنائات اصل صحت شروط سالب مسئولیت، محکوم به بطلان است.

### ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

### تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

### سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش شخصاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

### تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

### منابع و مأخذ

#### الف- کتب

- قرآن کریم

- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. جلد دوم و سوم. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷). غنیة النزوع إلی علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق (ع).

- اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۸). حاشیه کتاب المکاسب. جلد سوم، چهارم و پنجم. قم: انوار الهدی.

- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵). کتاب المکاسب. جلد اول، سوم، چهارم، پنجم و ششم. چاپ اول. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۲۱). صیغ العقود و الإیقات. قم: مجمع اندیشه اسلامی.

- سیفی‌مازندرانی، علی‌اکبر (۱۴۲۵). *مبانی الفقه‌الفعال: فی القواعد الفقهیه الاسلامیه*. جلد اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- سیوری‌حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴). *التنقیح الرافع فی مختصر الشرائع*. جلد دوم. قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی‌نجفی.
- شهیداول، محمد بن مکی (۱۴۱۰). *اللمعه‌الدمشقیه فی فقه الإمامیه*. بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیه.
- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه‌الدمشقیه*. جلد اول، سوم، چهارم، ششم، هفتم و دهم. قم: کتاب‌فروشی داوری.
- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*. جلد سوم، چهارم، پنجم، هشتم، دوازدهم و پانزدهم. قم: مؤسسه‌المعارف الإسلامیه.
- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۰۲). *روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان*. جلد دوم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۱). *البنک اللاریبوی فی الاسلام*. چاپ هفتم. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- طباطبایی‌قمی، سیدتقی (۱۴۰۰). *دراساتنا من الفقه الجعفری*. جلد چهارم. قم: مطبعة‌الخيام.
- طباطبایی‌قمی، سیدتقی (۱۴۱۳). *عمده‌المطالب فی التعلیق علی‌المکاسب*. جلد اول. قم: کتاب‌فروشی محلاتی.
- طباطبایی‌یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۴۲۱). *حاشیه‌المکاسب*. جلد اول و دوم. چاپ دوم. قم: مؤسسه‌اسماعیلیان.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الإمامیه*. جلد دوم، سوم، چهارم، هفتم و هشتم. چاپ سوم. تهران: المکتبه‌المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
- عاملی کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. جلد دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم و سیزدهم. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- علامه‌حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). *قواعد الأحكام فی معرفه‌الحلال و الحرام*. جلد دوم و سوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه‌حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). *تحریرالأحكام الشرعیة علی‌مذهب الإمامیه*. جلد دوم، سوم و پنجم. قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- علامه‌حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). *تذکره‌الفقهاء*. جلد هفتم، دهم و چهاردهم. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- فاضل‌هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام*. جلد یازدهم و دوازدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قاضی‌بن‌براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶). *المهذب*. جلد اول و دوم. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاشف‌الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ «الف»). *أنوار الفقاهة - کتاب النکاح*. نجف اشرف: مؤسسه کاشف‌الغطاء.
- کاشف‌الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ «ب»). *أنوار الفقاهة - کتاب الودیعة*. نجف اشرف: مؤسسه کاشف‌الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. جلد اول و هفتم. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مامقانی، ملاعبدالله بن محمد حسن (۱۳۵۰). *نهایه‌المقال فی تکملة‌غایه‌الآمال*. قم: مجمع‌الذخائر الإسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۴). *مرآة‌العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. جلد دوم و سوم. چاپ دوم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محقق‌حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد دوم، سوم و چهارم. چاپ دوم. قم: مؤسسه‌اسماعیلیان.
- محقق‌داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶). *قواعد فقه*. جلد اول و دوم. چاپ دوازدهم. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مفیدبغدادی، محمد بن محمد (۱۴۱۳). *المقنعه*. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مقدس‌اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). *مجمع‌الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. جلد هشتم، نهم، دهم و دوازدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). *القواعد الفقهیه*. جلد دوم. چاپ سوم. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین - علیه‌السلام.
- مکارم‌شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). *أنوار الفقاهة - کتاب النکاح*. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
- منتظری‌نجف‌آبادی، حسین علی (۱۴۰۹). *دراسات فی ولایه‌الفقیه و فقه‌الدوله‌الإسلامیه*. جلد اول. چاپ دوم. قم: نشر تفکر.

قابل استناد در موارد تردید در مشروعیت شرط (ناشی از تردید در جعل یا کیفیت جعل حکم شرعی یا قانونی). پژوهش‌های فقهی. (۱۱) ۲: ۳۰۵-۳۳۸.

- کریمی، نسرین (۱۳۸۶). «تأثیر شرط برائت در رفع مسؤولیت از پزشک». *مطالعات حقوق خصوصی*. (۳۷) ۱: ۸۰-۵۹.

- محقق داماد، سیدمصطفی و منشی‌زاده‌طهرانی، فرزانه (۱۳۸۹). «ماهیت و آثار نمایندگی غیرمستقیم در حقوق ایران و حقوق اروپایی». *مطالعات حقوق خصوصی*. (۴۰) ۱۳: ۲۹۶-۲۷۷.

- ملک‌افضلی اردکانی، محسن (۱۳۹۶). «حفظ نظام مقصد اساسی شریعت در فقه و قانون گذاری در نظام حقوقی اسلام». *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی*. (۳) ۶: ۱۵۲-۱۳۳.

- نکوئی، محمد (۱۳۸۹). «ماهیت شرط عدم مسؤولیت در حقوق ایران و انگلیس». *مجله تحقیقات حقوقی*. (۲) ۵۱-۷۶.

- نکوئی، محمد (۱۳۹۳). «مصادیق بطلان شرط عدم مسؤولیت (مطالعه تطبیقی)». *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*. (۱) ۲۷۳-۲۵۳.

- ورعی، سیدجواد (۱۳۹۳). «قاعده اختلال نظام؛ مفاد و قلمرو آن در فقه». *حکومت اسلامی*. (۱) ۱۹: ۵-۳۲.

#### ج- انگلیسی

- Council Directive 93/13/EEC of 5 April 1993 on unfair terms in consumer contracts.

- The Principles of European Contract Law.

- Convention on Agency in the International Sale of Goods (Geneva, 17 February 1983).

- موسوی‌خمینی، مصطفی (۱۴۱۸). *الخيارات*. جلد اول و دوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- موسوی‌خمینی، روح‌الله (۱۴۲۱). *کتاب البیع*. جلد اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

- موسوی‌خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۸). *موسوعه الامام الخوئی*. جلد بیست‌وپنجم، سی‌ام، چهل‌ویکم و چهل‌ودوم. چاپ اول. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.

- موسوی‌خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۰). *منهاج الصالحین*. جلد دوم. چاپ بیست‌وهشتم. قم: نشر مدینه‌العلم.

- میرزای‌قمی، ابو القاسم بن محمد حسن (۱۴۱۳). *جامع الشتات فی أجوبه السؤالات*. جلد دوم. تهران: مؤسسه کیهان.

- نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. جلد یازدهم، سیزدهم، پانزدهم، بیست‌وسوم، بیست‌وپنجم، بیست‌وششم، بیست‌وهفتم، سی و یکم، سی‌وهفتم، سی‌وهشتم، چهلم، چهل‌ودوم، چهل‌وسوم. چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷). *عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- وحیدخراسانی، حسین (۱۴۲۸). *منهاج الصالحین*. جلد سوم. چاپ پنجم. قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.

#### ب- مقالات

- ارسطو، محمدجواد (۱۳۸۸). «توافق بر تحدید یا عدم مسؤولیت از دیدگاه حقوق تطبیقی». *مجله طلوع*. (۸) ۳۰: ۲۲-۳.

- اصغری، محمدجواد (۱۳۹۰). «شرط عدم مسؤولیت در فقه امامیه و حقوق افغانستان». *پژوهش‌نامه فقهی*. (۴) ۱۸۴-۱۳۷.

- امامی، اسدالله و عبدی، صادق (۱۳۷۸). «تحلیل مبانی فقهی- حقوقی شرط عدم مسؤولیت قراردادی». *مجله مجتمع آموزش عالی قم*. (۱) ۲: ۱۰۶-۷۷.

- باقی‌زاده، محمدجواد و امیدفرد، عبدالله (۱۳۹۳). «ضرورت حفظ نظام و اختلال به آن در فقه امامیه». *مجله ادیان، مذاهب و عرفان، شیعه شناسی*. (۱۲) ۴۷: ۲۰۰-۱۷۰.

- عابدی، محمد (۱۳۹۴). «تحلیل اقتصادی شرط عدم مسؤولیت». *دو فصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی*. (۷) ۲۱-۱.

- قبولی‌درافشان، سیدمحمد مهدی و قبولی‌درافشان، سیدمحمدصادق (۱۳۹۴). «بررسی فقهی حقوقی اصل



## Terms of Liability Contained in the Appendix of Directive 13/93 of the European Economic Community in the Measurement of Imami Jurisprudence

Sayed Mohammad Sadegh Ghabuli Dorafshan <sup>1\*</sup>

*1. Ph.D, Faculty Member of the Department of Jurisprudence and Islamic Law, Kheradgarayan Motahar Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.*

### ARTICLE INFORMATION

*Type of Article:*

**Original Research**

**Pages: 47-60**

*Corresponding Author's Info*

**ORCID:** 0000-0002-9014-3026

**TELL:** 0985137651867

**Email:**

*dr.sadegh.ghabooli@gmail.com*

*Article history:*

**Received:** 05 Apr 2022

**Revised:** 08 May 2022

**Accepted:** 10 Jun 2022

**Published online:** 22 Jun 2022

*Keywords:*

*Negative Terms of Responsibility, Guidelines 13/93 of the European Economic Community, System Disruption, Arrogance, Loss of Property, Opposition to the Book and Tradition.*

### ABSTRACT

Unfair terms are one of the most important issues related to consumer rights. This article, by describing and criticizing the jurisprudence of the reasons for the invalidity of the negative conditions of responsibility and achieving the general principle of validity of these conditions, has made exceptions to this principle and has reached the conclusion that the negative conditions of responsibility contained in Directive 93/13 of the European Economic Community According to the condition of deprivation of responsibility for death or bodily injuries resulting from the act or omission of the act, based on the disorder of the system, the condition of liability for damages resulting from negligence based on the disorder of the system, The provision of services by the unilateral will of the subject is doomed to be invalidated on the basis of the complaint and the condition of disqualification from the obligations of the representative in the field of exceptions to the principle of correctness of the negative conditions of liability.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Ghabuli Dorafshan, M (2022). "Terms of Liability Contained in the Appendix of Directive 13/93 of the European Economic Community in the Measurement of Imami Jurisprudence". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 3(2): 47-60.